

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

پرتال: هفتاد و سه سال اول، شماره ۳، چهارشنبه ۸ فروردین ۱۳۵۸
شماره ۱۵ رمال

ما چه می گوئیم:

یکبار دیگر ما و فراندوم

به نظر ما نه! به هیچ وجه نمی توان خواست واقعی مردم را به طور کامل و روشن در يك يا دو كلمه گنجاييد. كلماتي نظير «دموکراسي»، «دموکراسي»، «دموکراسي»، «دموکراسي اسلامي» و نظاير آنها به تهناتي نمی تواند مفهوم کاملي را بررسي بيان کنند. آنچه به اين کلمات معنا و مفهوم می دهد برنامه و عملي است که در آنها گنجاييد می شود. لذا نباید اجاره داد که کلمات سب تقسيم قواي مداخلت و ضد امپريالستي شود، در حالي که قواي مداخله امپرياليسم و سلطنت متحد است. علاوه بر طرح انواع پيش، نيز قواي انقلاب را بر سر موضوعاتی که هنوز تمام جوانب

نیروهای انقلاب تجهیز شوند که در صف واحدی برای وارد کردن آخرین ضربه به رژیم ضدملی و ضد دموکراتیک سلطنتی به پای صندوقها بروند. درست است که رژیم سابق سرکون شده و شاید کسانی اصولاً ضرورتی برای رای دادن احساس نکنند، ولی فراموش نکنیم که پاسداری و ادامه انقلاب پیروزی هر چه قاطع تر در این فراندوم را ایجاد می کند. برخی از دوستان می پرسند:

آیا بهتر نبود به جای يك پيش چند پيش مطرح می شد تا مردم از آن میان آنچه که می خواهند انتخاب کنند؟

با بحث هایی که اخیراً در محافل سیاسی پیش آمده آیا حزب توده ایران در موضع خود نسبت به فراندوم تغییری داد ما؟

نه! ما بارها تاکید کرده ایم که منی حزب توده ایران برای اتحاد با نیروهای ضد امپريالست و دموکراتیک که مقدمات مذهبی دارند، منی تا نیکویی زودگذر نیست که با این یا آن بحث تغییر کند. منی حزب توده ایران استراتژیک، دراز مدت و صادقانه است. ما معتقدیم که باید دعوت آیت الله خمینی برای تجهیز هر چه بیشتر نیروها در فراندوم مورد توجه قرار گیرد و در همه جا: کارخانه ها، مزارع، دانشگاهها و مؤسسات اداری همه

سرمقاله

ضد انقلاب آرام نمی گیرد

در روزهای اخیر چند حادثه ناگوار به دنبال هم رخ داده که اگر چه به ظاهر ارتباطی باهم ندارند در ماهیت امر حلقه های زنجیر واحدی را تشکیل می دهند و حکایت از آن دارند که ضد انقلاب آرام نمی گیرد. در کردستان گروه کثیری کشته شده اند، در تهران ساواک قصد نجات مسلحانه زندانیان را دارد، در بلوچستان، ترکمن صحرا و گنبد، ارتش نمایش قدرت می دهد، دست هایی در کارند تا در مرز ایران و افغانستان همان وضعی را به وجود آورند که در مرزهای پاکستان، با افغانستان حکم فرماست. در آستانه نوزدهم از طرف وابستگان به دربار و ساواک برای عده ای کارت تبریک فرستاده شده با این وعده که زیر سایه شاه عیدهای بهتری خواهند داشت. در پایتخت های اروپایی که فراریان جنایت کار را در خود جا داده اند مجالس پر زین های ظاهرا برای نوزدهم در واقع برای توطئه تشکیل شده است. در ضیافتی که چهارشنبه ۲۳ اسفند در سرسرای هتل دورچستر لندن ترتیب یافته، جمعی از خائنین فراری از جمله هاشمی نژاد، شریف امامی... گرد آمده اند و شعار آن ها موقنیت شاه خائن بوده است.

نفس وجود این گونه حوادث عجیب نیست. پس از هر انقلابی، ضد انقلاب توطئه گری می کند. پس از هر انقلابی طغیان سرنگون شده برای مدتی امید خود را به بازگشت حفظ می کنند. تا اینجا مسئله غیر عادی و یا نگران کننده ای وجود ندارد. آنچه غیر عادی و نگران کننده است، این است که متأسفانه انقلاب به اندازه ضد انقلاب فعال نیست. اعلامی از سستی، استخوان لای زخم گذاشتن و امروز و فردا کردن عینی در کارهای اساسی انقلاب به چشم می خورد که ضد انقلاب را دلگرم و انقلاب را دل سرد می کند. نمی توان از کنار این واقعیت گذشت که هنوز یکماه از نخستین پیروزی انقلاب نگذشته نوعی بی تفاوتی شکوه آمیز در میان توده های وسیع مردم احساس می شود و این حرف که «ما برای این انقلاب نکرده بودیم که...» به وسعت تکرار می گردد تا جایی که مقامات عالی دولتی مجبورند از مردم گله کنند و آن ها را به صبر دعوت نمایند.

در تاریخ انقلاب های پیروزمند، دعوت به صبر جایی ندارد. انقلاب پیروزمند باید مردم را به حرکت آورد و آن ها را برای انجام آنچه انقلابی است تجهیز کند. در کشوری که ضد انقلاب در درون آن این چنین فعال است که روز روشن به زندان حمله می برد؛ در کشوری که امپریالیسم و عمالش در مرزهای بلاواسطه آن توطئه می چینند، قواي نظامی می آورند، قرارداد تجاویز می باند؛ دولت انقلابی نباید مردم را به صبر دعوت کند.

ما بارها گفته ایم باز هم تکرار می کنیم که انجام کارهای معینی در کشور نیازمند وقت و فرصت است. آنچه خرابی و ویرانی که از رژیم عامل امپریالیسم باقی مانده، در یک چشم به هم زدن اصلاح نخواهد شد. به گمان ما اکثریت مردم ایران این مطلب را درک می کنند. آنچه برای مردم قابل درک نیست و آنرا نگران می کند، این است که مقاماتی که اهرم های اصلی را به دست دارند در نبرد با ضد انقلاب قاطعیت لازم را از خود نشان نمی دهند و آنچه را که امروز باید انجام داد و گرنه فردا دیر خواهد بود، به فردامی گذارند و این نگرانی و شکوه به حق را در توده مردم به وجود می آورند که همه امروز و فردا کردن ها از زیادی کار و کمبود فرصت نیست. بسیاری کارها را می توان و باید با یک ضرب انجام داد. وظیفه انقلاب چنین است. مثلا در باره قطع نفوذ امپریالیسم چینی به فرصت داریم؛ چرا باید هنوز قرارداد دو جانبه ایران و آمریکا تحت مطالعه باشد؟ چرا باید رئیس ستاد ارتش ملی اسلامی اعلام کند که ورود کشتی های جنگی آمریکا به خلیج فارس خطری برای ایران نیست؟ چرا باید قرارداد با کسرسیوم در کش و قوس اظهار نظرهای ضد و نقیض به نوعی زنده بماند؟ چرا باید هنوز چند صد مستشار آمریکایی در ارتش ایران باقی بمانند و مردم ندانند که شرایط کار آنها موافق کدام قرارداد است؟ و آیا قرارداد مصونیت مستشاران لغو شده یا نه؟ در مسائل داخلی نیز پرسش هایی از این نوع فراوان است. هیچ فرد و سازمان مسئولی نمی تواند طلب کند که مسئله ملی در ایران در یک شب تا سحر برای همیشه حل شود. رفع ستم ملی و استقرار برابری کامل ملت ها در عمل فرصت می خواهد، اما پذیرش حق ملت ها، اعلام رسمی این حق و آغاز فوری اعمال آن وقت نمی خواهد. امروز و فردا کردن در این کار فرصت دادن به ضد انقلاب است.

در مسائل اقتصادی و اجتماعی و بخصوص در مسائل کارگری هزاران پرسش بی پاسخ وجود دارد. همه می دانند که اقتصاد ورشکسته را یکشنبه نمی توان اصلاح کرد. ولی هر انسان با حسن نیت انقلابی این راه می داند که دستمزد عقب افتاده کارگر را نمی توان به فردا موکول کرد. مسائل اقتصادی کشور را نمی توان بدون شرکت طبقه کارگر حل نمود. به جای

پیروزی نوین انقلاب در کردستان

امیل کردی آزادی کامل دارند و زبان کردی در کنار زبان فارسی در مناطق کردنشین رسمیت خواهد یافت. ۳. در کردستان همچون انسان های دیگر امور منطقه با اراده و انتخاب مردم

آرمانهایی را به این شرح تضمین می کند. ۱. در تدوین و تصویب قانون اساسی جدید ایران شما نیز شریک سهم خواهید بود و در این قانون حقوق همه مردم ایران از جمله مردم شریف کردستان تأمین خواهد شد. ۲. مردم کردستان برای اشاعه فرهنگ

حادثه سازی عمال امپریالیسم و ارتجاع در سنجیدگی علیه خود آن ها برکت. مردم مبارز سنجیدگی به انگیزای خلق کرد و همه مردم ایران حادثه آفرینان را به جای خود نشانند و بر مبنای عادلانه ای که متضمن عهدترین خواسته های خلق کرد است با آیت الله طالقانی به توافق رسیدند.

آنچه در سنجیدگی کشتن ماجرای تحریک آمیزی بود که دست های ناپاکی در پشت پرده به وجود آوردند. آن ها به عهد جو منشی به وجود آوردند و با تیراندازی به سوی مردم، گروهان گرفتن عده زیادی از مردم و سرآزایی که حاضر به خونریزی نشده اند، با انتشار خبرهای غرض افروز و انواع تحریکات دیگر حادثه خونی ساختند که می توانست به مسئله بزرگ سراسر کشوری بدل شود. بدون تردید هدف توطئه گران نیز همین بود. حداقل چیزی که توطئه گران می خواستند برهم زدن آرامش و متزلزل کردن پایه های انقلاب بود.

خوشبختانه مبارزین کرد با هوشیاری و فداکاری تمام این توطئه را درهم شکستند و موفق شدند به همراه آیت الله طالقانی به توافق دست یابند که از بسیاری جهات جنبه تاریخی دارد و می تواند پایه استواری برای حل مسئله ملی نماند. نماند در کردستان بلکه در سایر مناطق کشور قرار گیرد.

ما عین توافق را به علت اهمیت آن به همان ترتیبی که از رادیوی انقلاب اسلامی ایران منتشر شده و به مثابه یک عهد قطعی اعلام آور است در زیر می آوریم:

ما با صراحت و صداقت کامل به برادران و خواهران کردستانی اعلام می کنیم که انقلاب امیل اسلامی ایران تحقق

چه محافلی از بحران روابط ایران و افغانستان خرسندند

سیاسی در جرگه کشورهای غیر متعهد قرار می گیرند و به این ترتیب در زمینه های بسیار منافع و مصالح یکسانی می یابند. و به حکم این مناسبت ها، متحد طبیعی یکدیگرند و باید متحد باشند. طبیعی است که خصمت ضد امپریالیستی انقلاب های ایران و افغانستان، تمامی استعدادها و شکرها و شجاعت های جهان خواریان را برای تنگی و تخریب و انحراف این دو انقلاب و در صورت ممکن فرار دادن آن ها در مقابل یکدیگر، برمی انگیزد. و لذا نیروهای انقلابی هر دو سو باید متحد با هر نوع حادثه سازی تسمی، تحریک و فتنه گری، ایجاد محیط بحرانی سوظن و بدگمانی در روابط دو همسایه با درایت انقلابی مقابله کنند.

در آستانه نوزدهم حادثه های کاملاً غیر طبیعی و غیرمنتظره در مناسبات کشور ما با شور دوست و برادر افغانستان اتفاق افتاد. کاردار ایران از هرات اخراج شد و وزارت خارجه ایران نیز به جای توجه به ریشه مسئله به اقدام متقابل دست زد. ما قبل از هر چیز از این پیش آمد متأسیم و چنان که تقسیم انرا غیر طبیعی و غیر منطقی می دانیم و معتقدیم که باید از هر دو جانب اقدامات سریع برای رفع سوءتفاهم و استقرار بهترین مناسبات بین دو انقلاب پیروزمند بعمل آید. هر گونه اختلاف میان ایران و افغانستان به سود امپریالیسم و ارتجاع و به زیان انقلاب ایران و افغانستان است.

ایران و افغانستان دو کشور همسایه ای که دولت های جوان آن ها در عمل، در یک جهت، ثمرات فاطمی برپیکر امپریالیسم و ارتجاع منطقه ای و محلی فرود آورده اند، هر دو خصم و کین جهان خواریان و هجوم دسیسه های جوراچور این محافل را علیه خود برانگیخته اند، هر دو در حرکت های

اعتصاب گرسنگی کارگران در شب عید

را مورد انتقاد فرار داد و گفت: با وجود صحبت های مکرر با مسئولین وزارت کار، آن ها هنوز هم از نحوه اجرای طرح صحبت می کنند. این طرح از نظر ما غیر قابل قبول است. ما تمام شروطی را که مانع اجسرای عدالت واقعی باشد، محکوم می کنیم. ما خواهان حذف شرط سنی، به طور کلی برای کارگران، معرفی نامه از طرف کارفرما، سابقه پرداخت حق بیمه و... هستیم. ما مطمئنیم که اجرای این طرح ممکن است. دولت با وجود دشواری های که دارد می تواند این طرح را اجرا کند.

دست به اعتصاب غذا زدند. هیئت مؤسس ۲۵ نفری کارگران تأسیسات و راه و ساختمان، روز یکشنبه هفته گذشته از کلیه کارگران بیکار دعوت بعمل آورد تا برای دریافت جواب قطعی از مسئولان امر، در وزارت کار گردیم. این کارگران در بدو ورود با معانیت پاسداران مسلح وزارت کار روبرو شدند. ولی سرانجام این سد را شکستند. بعد از ورود کارگران به سالن اجتماعات، ناصر نماینده کارگران طرح وام بیکاری

مدعا تن از کارگران بیکار، در پی تحسن و اعتصاب غذای خود، روز اول عید را در باشگاه وزارت کار و امور اجتماعی با شکم گرسنه اما با روحیه ای قوی، به شب رساندند. این عده ضمن اعتراض به طرح وزارت کار در زمینه (وام صندوق بیکاری) از صبح یکشنبه در محل وزارت کار متحصن شدند. به دنبال تحسین و بی نتیجه ماندن مذاکرات نمایندگان کارگران با نماینده وزارت کار از شب دوشنبه (۲۸ اسفند)



یکی از شخصیت های روحانی به نمایندگی از طرف وزارت کار گفت: اگر همه ماسلمان و انقلابی هستیم باید به دستورات آئین اسلام عمل کنیم. از توهمات شیطانی خودداری کنیم. انقلاب الان اول راه است، بنابراین کسی صبر نکند. (کارگران گفتند: شکم گرسنه ما صبر ندارد.) با صبر و حوصله همه کارها درست می شود. نماینده کارگران گفت: شما می گویند صبر کنید. ما قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروس را. چندی پیش دولت پنج میلیارد ریال وام به کارخانه دارها داد. اگر دولت پول ندارد، پس این پول را

ساواک باید ریشه کن شود

هر روز نشانه‌های تازه‌ای درباره توطئه‌ها و خرابکاری‌های شبکه‌های زیرزمینی ساواک به دست می‌آید.

یک ماه و نیم پس از سقوط و انحلال ساواک، هنوز این سازمان جهمی که مغز و قلب رژیم وابسته به امپریالیسم بود، در حال‌های از ابهام و تاریکی باقی مانده است. آیت‌الله طالقانی درباره پنهان شدن هفت، هشت هزار ساواکی کاملاً مجهز و مسلح که با «موساد» (سازمان اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل) در ارتباطند، هشدار می‌دهد. معاون نخست‌وزیر از وجود ۱۵ شبکه زیرزمینی ساواک خبر می‌دهد، روزنامه‌ها، رخنه عناصر ساواک را در پاره‌ای از مراکز و کمیته‌های انقلاب، به‌عنوان خطر مهلکی که در کمین انقلاب نشسته است، افشا می‌کنند... و در این حال هر شب و یا هر چندگاه تنی چند از پاسداران فدائکار انقلاب در خیابان‌ها و سنگرها به ضرب گلوله افراد ناشناس و در خون خود می‌غلطند و این ترورها و شیخون‌های غافلگیرانه همچنان ادامه می‌یابد.

با توجه به این که مقامات رسمی دولت و مسئولان انقلاب به‌طور تلویحی یا حتی صریح تجدید سازمان مخفیانه ساواک را ترمیم یافته و شبکه‌های این لائوس‌نوع توطئه و خطر را تأیید کرده‌اند، این سؤال پیش می‌آید که چرا هنوز برای درهم شکستن فاعل این مغز و قلب کذبانه رژیم منحل آریامهری و پایگاه هجوم‌های احتمالی ارتجاع و امپریالیسم، اقدامات همه‌جانبه صورت نگرفته است؟ دستگیری و مجازات معدودی از سران و شکنجه گران ساواک برای ریشه کن کردن این درخت شوم جنایت، به هیچ وجه کافی نیست. آن ده‌ها هزار جاسوس و خیرچین و شکنجه‌گر و تروریست رسمی که عامل اصلی کشتارهای جمعی، شکنجه‌های قرون وسطایی، پروردسازی‌ها و دسیسه‌گری‌ها و ضد ملی علیه آزادی‌خواهان، تحکیم باط اختناق، کتاب سوزان، سانسور، بگیروبند، دوختن لبها، بریدن زبان‌ها، شکنجه قلب‌ها، تفتیش عقاید، به‌دادادن عظیم‌ترین تروها و نعمت‌های مادی و معنوی بودند، آن‌ها و زبان‌ها و مغزها و گوش‌ها و چشم‌های استبداد حاکم و استعمارپنهان امپریالیستی حالا کجا هستند؟

نمی‌توان باور کرد و دلخوش بود که باور این کردن لایه مارها، این خردنگان مودی و نیشدار تیبیه شده و دنبال کار خود رفته‌اند. همین که آن‌ها در دستند تا در حسرت‌ترین مراکز و کانون‌های انقلاب سرگردان (تا آنجا که تصفیه وسیع کمیته‌های امام به‌مسئولان تحمیل می‌شود)، خود نشانه تدارک وسیع و سنجیده ساواک برای فرود آمدن ضربه ناگهانی و سنگین، در موقع مناسب است. همین که گروه‌های ترور ساواک، شبانه در کوچه‌ها و خیابان‌ها پرسه می‌زنند و به‌شکار فعالین انقلابی می‌پردازند و بجز آشوب و ناامنی و سوختن می‌پراندند، همین که نقشه فرار آید دستگیر شده ساواک در زندان‌های کمیته سابق شهرپاری و اصفهان با یاری از داخل و خارج زندان به‌اجرا گذاشته می‌شود، همین که ارتشبد نصیری هنگام بازجویی در برابر دوربین‌های تلویزیون برای همدستان و ابدی خود، پیام رمز می‌فرستد و به‌آن‌ها دستور حمله به بازداشتگاه سران دستگیر شده رژیم منحل را می‌دهد، همه و همه از فعالیت سازمان داده شده زیرزمینی ساواک و طرح‌ها و نقشه‌های این سازمان

به تبعید شدگان سیاسی گذرنامه بدهید

سازي و نوسازي مخروبه پريشاني كه ارتجاع سلطنتي و امپرياليست‌هاي يفاگر براي ما برجاي نهاده‌اند، سال‌ها وقت و تمامي استعدادها و نيروهاي سياسي و اجتماعي را نابل مي‌کند، تسريع در صدور گذرنامه رسمي براي تبعيديان سياسي، نفع‌ها به‌خطر اضحلال يکي از مظاهر ضد ملي و ضد دموکراتيک رژيم منحل سابق، نفع‌ها به‌خطر رفع سم و تبعيض سياسي از گروهي از مبارزان وميهن پرستان، بلکه همچنين به‌عنوان نخستين شرط ضرور حرکت بسوي جامعه‌اي دموکراتيک، در دستور روز قرار دارد.

شکفت‌است که دولت موقت انقلابي تاکنون بمسافرتخانه‌ها و نمايندگي هاي سياسي ايران در کشورهاي خارجي دستور نداداده است که به‌پناهندگان سياسي ايراني در خارج از کشور گذرنامه بدهند، رژيم محمد رضا شاهی، فقط شاه خائن و اطرافياش را ايراني مي‌دانست و به‌خود حق مي‌داد اعلام کند که مخالفين رژيم ايراني نيستند!! بر اين مبنا محروم کردن ايرانيان مقیم خارج از کشور از داشتن گذرنامه ايراني... که در واقع جرم است - امری عادي تلقی مي‌شد. ما هنوز نمي‌دانيم نظر دولت موقت چيست؟ ولي اطمینان داريم که يك دولت انقلابي نمی‌تواند ايراني را از داشتن گذرنامه ايراني محروم کند.

درخواست کمیته مرکزی حزب توده ایران برای صدور گذرنامه رسمی جهت اعضای این حزب و خانواده‌های آن‌ها که پس از سال‌ها اقامت اجباری در خارج از کشور، مهیای بازگشت به‌میهن‌اند، یکی از مهم‌ترین وظایف انقلاب را به‌دولت موقت آقای مهندس بازرگان، گوشزد می‌کند. این درخواست در واقع محو یکی از سیاه‌ترین آثار تجاوز آشکار به‌حقوق انسانی و سیاسی گروهی از مبارزان و آزادی‌خواهان دیرپای میهن مارا به‌معنای میراث شوم رژیم استبداد آریامهری طلب می‌کند. تا وقتی نشانه‌های خشن نظم دیکتاتوری در پایمال کردن یکی از بدبخت‌ترین اصول منشور حقوق بشر در جامعه ما پریاست، هنوز هیچ سخن جدی از آزادی واقعی نمی‌توان بر زبان‌ها زد، نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به نخست‌وزیر و دکتر کریم سنجابی وزیر خارجه، دولت موقت تأکید شده است: حزب توده ایران چنان‌که برهنگان روشن است، آن

در اینجا نیز محافل امپریالیسم و پادوهای ساواک راه تحریف تاریخ جنبش را در پیش گرفته‌اند. مأمورین ساواک انواع نشریه‌ها و اعلامیه‌ها و کتاب‌های ضد کمونیستی منتشر می‌کنند که یا نام مؤلف ندارند و یا به‌نام مستعار چاپ شده و معلوم نیست کدام سازمان مسئول انتشار و مدافع نوشته های آنست. از جمله اعلامیه‌های به‌نام «جمعی از دانشجویان مسلمان» در صدها هزار نسخه چاپ و در سراسر کشور منتشر شده و بر سر در هر مسجدی نصب شده است که در آن با نامردی خیانت‌آمیز یک کهنه‌جاسوس استعمار ادعا شده است که گویا سوسیال دموکرات‌ها

شیوه بررسی

روشی که در این بررسی کوتاه به‌کار خواهیم برد يك روش علمی ونقطه منابل روشی خواهد بود که تحریف کنندگان تاریخ جنبش به‌کار می‌برند. از جمله:

۱. هر حادثه تاریخی باید در چار چوب زمان و مکان، در چارچوب تاریخی که در آن قرار گرفته و در پیوند با مجموعه حوادثی که در حادثه مورد نظر اثر گذاشته‌اند بررسی شود.
۲. تحریف کنندگان تاریخ پیوند حوادث را می‌کشند، هر حادثه‌ای را جدا از زمان و مکان و خارج از چارچوب دوران تاریخی که حادثه در آن جریان داشته بررسی می‌کنند تا آنرا موافق نیاز تبلیغاتی امروزین خود مورد بهره‌برداری قرار دهند. ما موظفیم حوادث را در جای خود بررسی کنیم.
۳. تحریف کنندگان تاریخ بسیاری از ادعاهای خود را بدون مدرک و دلیل مطرح می‌کنند و آتهایی که ناچوانمردتر و کینه‌ورترند «استادی» از زاهدان جنبش بیرون می‌کشند و پیراهن عثمان می‌کنند که بازوهای علمی‌کمترین رابطه‌ای ندارد. توضیح این‌که هر جنبش انقلابی و هر سازمان انقلابی موجود زنده‌ای است و در حال تکامل و جنب و دغ مداوم - که خود شرط الزامی تکامل است، چپا افراد که به‌جنبش می‌پیوندند بنا به‌مقدورات خود کمکی نیز به‌جنبش می‌کنند، اما مرد ادامه نبرد تا پایان نیستند قدرت تکامل پابهایی جنبش را ندارند، سیاست و مشی جنبش را از زاویه معینی درک و منعکس می‌کنند که منطبق با معنای واقعی سیاست و مشی جنبش نیست. این‌گونه افراد طبعاً عقیم‌می‌مانند و از جنبش کنار می‌روند و یا اخراج می‌شوند و جای خود را به مبارزین تازه‌نفس می‌دهند.

باید این پروسه تکاملی، این نبرد دشوار را بررسی کرد و سمت حرکت را در نظر گرفت. این نکته که در تاریخ هر جنبش صدق می‌کند، در مورد احزاب کمونیستی و جنبش‌های کارگری کشورهای عقب مانده‌ای مانند ایران اهمیت ویژه‌ای می‌کند، زیرا جنبش‌های کمونیستی در این کشورها به‌دواری بزرگ انقلاب عام مارکسیسم - لنینیسم با جامعه‌ای که پایه‌های علمی لازم را ندارد روبرو هستند. بسوسیال‌دموکرات صدر مشروطه هنوز به

گرفته‌اند بهره‌گیریم. آن‌چه در روزنامه مردم زیر عنوان «از تاریخ بیاموزیم» می‌چند شماره خواهد آمد، جمع بست کامل این تجربه غنی نیست - که خود کتاب‌ها می‌خواهد. ولی کوششی است در این راه.

در اینجا نیز محافل امپریالیسم و پادوهای ساواک راه تحریف تاریخ جنبش را در پیش گرفته‌اند. مأمورین ساواک انواع نشریه‌ها و اعلامیه‌ها و کتاب‌های ضد کمونیستی منتشر می‌کنند که یا نام مؤلف ندارند و یا به‌نام مستعار چاپ شده و معلوم نیست کدام سازمان مسئول انتشار و مدافع نوشته های آنست. از جمله اعلامیه‌های به‌نام «جمعی از دانشجویان مسلمان» در صدها هزار نسخه چاپ و در سراسر کشور منتشر شده و بر سر در هر مسجدی نصب شده است که در آن با نامردی خیانت‌آمیز یک کهنه‌جاسوس استعمار ادعا شده است که گویا سوسیال دموکرات‌ها (کمونیست‌ها) از زمان مشروطه تا امروز همواره «خیانت» کرده و سپس گفته‌اند که «ما اشتباه کردیم». در اینجا حتی اقدامات خرابکارانه عناصر ماوئیست که وارد سازمان مجاهدین خلق شده و آنرا از درون مورد حمله قرار دادند بحساب کمونیست‌ها گذاشته و به‌این واقعیت روشنتر از آفتاب توجه نکرده‌اند - و نخواسته‌اند توجه کنند - که ماوئیست‌ها کمونیست نیستند، ضد کمونیستند. آن‌ها فقط به‌معنای خلق بلک قبل از آن به‌جنبش کمونیستی از پشت خنجر زده‌اند. علاوه روش خرابکارانه آنان در درون مجاهدین خلق از طرف حزب توده ایران در همان زمان ارتکاب محرم شده است. البته حضرات «جمعی از دانشجویان مسلمان» این واقعیت‌ها را می‌دانند. اما کار آن‌ها تحریف حقایق است. آن‌ها خود خرابکاری و دوپهیزی دارند تا در برابر پیشرفت مشی و حدت که حزب توده ایران پیشنهاد می‌کند ایجاد مانع کنند. جا دارد که توطئه‌گری عمال امپریالیسم و ارتجاع را عقیم گذاریم. از تاریخ برافراخ جنبش انقلابی ایران بیاموزیم. بر این جنبش سرداران کاندلار و سربازان گمنامی که از آموزش علمی مارکسیستی - لنینیستی الهام می‌گرفتند و منشاء بزرگ‌ترین خدمت‌ها بوده‌اند. آن‌ها صادقانه بدون کترین چمدهانت در راه خلق جان باختند. بیداری و تشکل مردم و تکامل انقلاب ایران به‌مرحل عالی‌تر قبل از همه مدیون آنهاست. آنان در طول زمان، در نبردی نابرابر با امپریالیسم و ارتجاع و زیر شدیدترین فشار کوشیدند تا جامعه ایران را از نظر علمی و به‌درستی تحلیل کنند و آموزش مارکسیسم - لنینیسم را در شرایط ایران به‌کار برند. آن‌ها همواره برای جمع‌آوری نیروهای صمدیق انقلاب و تحکیم وحدت صفوف آنان رنج بردند. درک اندیشه‌های مارکسیستی - لنینیستی و کاربرد آن در جامعه ایران که امروز به‌سطح والایی رسیده خلق‌لساعه نیست، محصول کار پرزحمت و طولانی نسل‌های جان‌باخته کمونیست‌هاست. مشی جان افتاده، علمی و انقلابی حزب توده ایران که امروز از میان همه دشواری‌ها راه خود را به‌پیش می‌کشد، خلق‌لساعه و تمدنی نیست. حاصل تجربه غنی ده‌ها سال نبرد کمونیستی های صمدیق در زندان و آزادی، در تبعید و پای چوبه اعدام است. یاد آنان را گرامی داریم. از تجربه آموزنده‌ای که به‌ارت

آثار کلاسیک مارکسیستی دسترسی داریم و با جامعه‌ای طرف است فاقد هیچ جزئی و سندیکی، فاقد اندیشه سیاسی کسره و جاضاده و حتی فاقد تجربه و عدت و رقم. طبیعی است که اونوی کوشی را بکنند که مارکس و لنین کرده‌اند و وجود برخی اندیشه‌های اشتباه‌آمیز در تصورات و مشی سیاسی او است. غایب است. مهم این‌است که این نارسایی‌ها اصلاح شود. معایب طرد گردد و جنبه‌های مثبت اندیشه‌های سالم رشد کند. ناچوانمردی و خرابکاری عدی است که کسی بخود حق دهد که کاوش و جنبش و جوی مارزیز را در راه تکامل آن‌ها زوایه منفی علم کند. نارسایی‌هایی را که در سیر تکامل جنبش به‌پایگانی می‌رسد و یا طرد شده و به‌نایه اس است. مشی جنبش معرفی نماید. در سال‌های اخیر متأسفانه نمونه‌های فراوانی از این ناچوانمردی‌ها و خرابکاری‌های عدی مشاهده شد و کمی جنبش ایران روشن‌تر از آفتاب است. این وظیفه کیفی را به‌عهده گرفتند که برای همین جنبشی که دشمن آنند توجیه می‌نویسند. چرا؟ بنا به‌مأموریت از طرف چه مقامی؟

پایه کار همه این به‌اصطلاح تاریخ نویسان کاوش در فاضلاب جنبش کارگری است.

آن‌ها نخواسته‌اند کارخانه عظیمی را که با زبوان توانای ده‌ها هزار کارگر و مبارز زحمتکش به‌حرکت درمی‌آید، به‌محمول این کارخانه که تکامل جامعه و حرکت آن بسوی تحول سیاسی است نظر کنند؛ به‌نیروی محرکه این کارخانه که جامعه‌ای را تکان می‌دهد، بیاندیشند. آنان مگس‌وار در فاضلاب کارخانه تولیددند و هر آندیشه و باور را که جنبش از خود طرد کرده به‌جنبش کشیده و بزرگ کرده و بحساب کارخانه و کارگران آن گذاشته‌اند.

این شیوه ناچوانمردانه، خرابکارانه و مطرود است. تاریخ وظیفه دارد که شاخه بالنده جنبش، اندیشه‌های سالم را که منبای تکامل قرار گرفته‌اند و ارتباط با آن شخصیت‌هایی را که در این تکامل نقش را ایفا کرده و به‌عنوان پیش رفته‌اند نشان دهد. شکافتن نارسایی‌ها باید برای بهتر نشان دادن تکامل و تحریف تسجیل تکامل باشد و نه انتقام‌جویی و لجن‌پاشی به‌قص عدد جاوگیری از تکامل.

در سال‌های اخیر برخی از مبارزین صمدیق انقلابی نیز که در جستجوی حقیقت بودند متأسفانه نظراتی نادرستی درباره تاریخ نهضت کمونیستی ایران ابراز کرده‌اند و هنوز هم ابراز می‌کنند که پیش معلول عدم دسترسی به‌اسناد و مدارک کافی و گسیختگی اجباری میان نسل‌های مبارز است. تردیدی نیست که ایشان از تحریف کنندگان تاریخ نیستند و حساباً با آن‌ها دشمنان کمونیسم ماهیتاً جداس. ما ضمن بحث از تاریخ نهضت نیز حساباً آنان را همواره از احزاب دشمنان نهضت جدا خواهیم کرد.

بزم خجسته

فریاد برکشید:
عید آمده‌است عید
هنگام پایکوبی و شادی از زین نوید
روشن کنید شمع

از تاریخ بیاموزیم

توده ایران که در راه تحکیم وحدت جنبش انقلابی و بویژه در راه وحدت جناح‌های منعی و غیر منعی جنبش تلاش می‌کند باعث نگرانی شدید عبال استعمار است. شاه درگذشته اهمیت این وحدت و خطری را که از این‌جانب تحت تاج او را تهدید می‌کرد، می‌فهمید و می‌نالید که چگونه مارکسیسم و اسلام بهم پیوسته است.

امروز نیز عمال رژیم سابق، وابستگان امپریالیسم و صهیونیسم، ساواک - که

بر خون نمک نهید

قرآن و نان دهید

با سرفه سبزه و گل و گلدان بیایورید!

گفتم: کفی ز خاک

تا بزم را خجسته کند یادی از شهید

فرهاد ره‌آورد.